



گیره کمر بند، مرصع با سنگهای
قیمتی. (URL.6)



مطالعه تطبیقی انواع زیورآلات مردان در دربار صفویان با مغولان کبیر هند*

میترا شاطری* * معصومه کاسی ماتک* * * عباسعلی احمدی* * * بهاره تقوی نژاد* * * * *

تاریخ دریافت: ۹۸/۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۲۸

صفحه ۱۰۵ تا ۱۱۹

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

با حضور اسلام در ایران، از سوی احکام اسلامی، محدودیت‌هایی برای استفاده مردان از زیورآلات مطرح شد این در حالی بود که در دوره‌های مختلف اسلامی به ویژه در دوره صفوی با استناد به آثار و متون برجامانده، شکوه خیره کننده زیورآلاتی که مردان طبقات مرفه جامعه به کار می‌برده‌اند، از تداوم، پویایی و شکوفائی صنعت و هنر زیورآلات‌سازی مردانه در این دوران خبر می‌دهد. از سویی دیگر روابط مودت‌آمیز میان حاکمان صفوی و مغولان کبیر هند، موجب تأثیر و تأثرات فراوانی در زمینه‌های فرهنگی و هنری در دربار هر دو کشور شد. تولید و مصرف جواهرات و زیورآلات نیز از این قاعده مستثنی نبود چراکه زیورآلات برجامانده در این بازه زمانی در دربار هر دو حکومت، نشان‌دهنده اشتراکات کلی در شکل و انواع زیورآلات، سبک‌های ساخت و تزئینات در این صنعت و هنر می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف شناخت و معرفی انواع زیورآلات مردان دربار صفوی و تطبیق آنها با زیورآلات مردان دربارگورکانی هند (مغولان کبیر) و در راستای پاسخگویی به سؤالاتی همچون ۱. بر اساس آثار برجامانده، مردان دو دربار صفوی و گورکانیان هند از چه زیورآلاتی استفاده می‌کردند؟ ۲. چه تفاوت‌ها و یا شباهت‌هایی میان زیورآلات آنان وجود داشته است؟ صورت گرفته است. روش تحقیق توصیفی - تطبیقی و اطلاعات استفاده‌شده با روش یافته‌اندوزی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی در موزه‌های داخل یا خارج از کشور بدست آمده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که زیورآلات در این دوره به عنوان نمادی برای تشخیص جایگاه اجتماعی افراد در هر دو دولت صفوی و گورکانیان هند به کار می‌رفته و مناسبات نزدیک میان دولت‌های یادشده، سبب ایجاد اشتراکات بسیاری در انواع زیورآلات مورداستفاده، مصالح و شیوه‌های تزئین، شده و با وجود تفاوت‌هایی اندک همچون میزان استفاده از انواع سنگ‌های قیمتی یا تنوع بیشتر در انواع و فرم زیورآلات در هند دوره گورکانی؛ بسیاری از فرم‌ها، مصالح، فلزات و جواهرات به کار رفته در زیور این دو گروه از قبیل جقه‌ها، انگشتری‌ها، گوشواره‌ها، کمربندها و بازوبندها مشترک بوده است.

کلیدواژه‌ها

زیورآلات مردان درباری، جواهرات، سنگ‌های قیمتی، صفوی، گورکانیان هند.

* مقاله حاضر، مستخرج از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «بررسی و شناخت تطبیقی زیورآلات مردان دوره صفوی با توجه به جایگاه اجتماعی» است که به راهنمایی نویسنده دوم و نویسنده مسئول در سال ۱۳۹۴ و در گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد دفاع شده است.

Email: shateri.mitra@lit.sku.ac.ir

Email: elmira.kasi@yahoo.com

Email: a.ahmadi@lit.sku.ac.ir

Email: b.taghavinejad@aui.ac.ir

** دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)

*** کارشناس ارشد رشته باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

**** دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

***** استادیار گروه صنایع دستی دانشگاه هنر اصفهان

مقدمه

انسان از دیرباز به زیبایی اهمیت داده و همواره سعی در زیبا نمودن خود از طریق آرایش و پیرایش و استفاده از انواع مختلف زیورآلات داشته است. زیورآلات در دوره‌های مختلف با مصالح و شیوه‌های ساخت متفاوتی تهیه می‌شده است. گرچه در دوران اسلامی این روند همچنان ادامه می‌یابد اما با توجه به احکام اسلامی، محدودیت‌هایی در استفاده از زیورآلات به ویژه برای مردان در نظر گرفته می‌شود. سفرنامه‌نویسان هم عصر دوره صفوی به کرات در شرح بازدیدهای خود از زیورآلات ارزشمند مردان این دوره سخن گفته‌اند. نمود شکوه این زیورآلات را می‌توان در نگاره‌ها، دیوارنگاره‌ها و آثار باقی‌مانده از این دوره به وضوح مشاهده کرد. بر اساس تصاویر و نگاره‌هایی که بر آثار مختلف این دوره بر جای مانده‌اند، مردان صفوی نیز همچون زنان، از زیورآلات مخصوص به خود استفاده می‌کرده‌اند. این دوره (صفوی) به صورت تقریبی مقارن با حکمرانی گورکانیان بر هندوستان است، روابط دوستانه میان این دو حکومت، اثرات فراوانی در روند فرهنگی و هنری دو کشور برجا گذاشت در این میان صنعت و هنر جواهر سازی و زیور سازی از این امر مستثنی نبود. آثار عینی و نقاشی‌ها و نگاره‌های برجامانده نشان‌دهنده تشابهات فراوانی به ویژه در سبک‌ها، نقش‌مایه‌ها، مصالح به کار گرفته شده، و روش‌های ساخت این صنعت در میان دو سرزمین یاد شده، است.

از آنجاکه استفاده از زیورآلات در اذهان عمومی و در عصر حاضر بیشتر در میان بانوان رواج دارد، عمده پژوهش‌های صورت گرفته در این بخش به مطالعات زیورآلات و جواهرات مخصوص بانوان محدود می‌شود و زیور مردان و انواع آن در میان این دو تمدن کمتر شناخته یا معرفی شده است. از این رو این مقاله با هدف مطالعه انواع زیورآلات مردان درباری دوره صفوی و بررسی تطبیقی جهت مشخص نمودن اشتراکات و افتراقات میان زیورآلات استفاده شده توسط مردان این دوره با زیورآلات مردان درباری دوره گورگانی در هند، شکل گرفته است. بازه زمانی مورد تحقیق در خصوص دوره صفوی از ابتدای حکومت شاه اسماعیل اول صفوی تا سقوط این سلسله در زمان سلطان حسین (۱۱۲۵-۹۰۷ ه.ق.) و در مورد دوره گورگانی هند از ابتدای حکومت این سلسله توسط بابر تا پایان حکومت اورنگ زیب و به دیگر معنی مغولان کبیر (۱۰۸۵-۹۰۵ ه.ق.) می‌باشد. در راستای دستیابی به این هدف، به مطالعه موردی این آثار در دوره صفوی با استناد به نمونه‌ها و متون برجامانده و یا زیورآلات به تصویر کشیده شده در نگاره‌ها و مقایسه آن با آثار هم‌زمان در هند (گورکانیان یا مغولان) پرداخته شده است. این آثار عمدتاً از خلال متون برجامانده به ویژه سفرنامه‌ها یا از میان آثار موجود در موزه‌های داخلی مانند

موزه‌های ملی ایران، بنیاد، و هنرهای تزئینی اصفهان؛ یا موزه‌های خارج از کشور همچون موزه ارمیثاژ، بروکلین، متروپولیتن یا هاروارد انتخاب شده است. **سوالات اصلی** پژوهش حاضر عبارتند از: ۱. بر اساس آثار برجامانده، مردان دو دربار صفوی و گورکانیان هند از چه زیورآلاتی استفاده می‌کردند؟ ۲. چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان زیورآلات مردان درباری دوره صفوی و گورکانیان هند وجود داشته است؟

اهمیت و ضرورت این پژوهش این است که با توجه به کثرت آثار هنری متنوع در دوره های تاریخی مذکور این پژوهش می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای شناخت هرچه بیشتر زیورآلات، به عنوان یکی از انواع هنرهای صناعی و کاربردهای گوناگون آن به شمار آمده و روشنگر بخش مهمی از تاریخ فرهنگی و هنری این دوره به ویژه در خصوص جواهرسازی و ساخت و استفاده از زیورآلات در میان مردان باشد.

روش تحقیق

روش این تحقیق کیفی، به شیوه تاریخی- توصیفی است. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده و بهره بردن از آنها در این پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی آثار باقی مانده مرتبط در موزه‌های داخل کشور همچون موزه ملی یا هنرهای تزئینی اصفهان، و یا در مجموعه آثار موزه‌ها و مجموعه‌های خارج از کشور مانند متروپولیتن، بریتانیا، یا مجموعه خلیلی بوده است. بازه زمانی مورد تحقیق حکومت صفوی ایران (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق.) و حکومت گورکانیان (مغولان) کبیر هند (۱۰۸۵-۹۰۵ ه.ق.) می‌باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با رویکرد تطبیقی انجام شده است.

پیشینه تحقیق

مقاله غافل مبارکه، علیرضا خواجه احمدعطاری و بهاره تقوی نژاد با عنوان بررسی تطبیقی جواهرات موجود در نگاره‌های ایران و هند در دوره فتحعلیشاه قاجار که در شماره ۲۰ نشریه مطالعات هنر اسلامی منتشر شده است، از دیگر منابعی است که به بررسی تطبیقی جواهرات موجود در نگاره‌های ایران و هند در دوره فتحعلی شاه قاجار اختصاص داشته و با استناد به نگاره‌ها، به تأثیرپذیری زیورآلات دو کشور از یکدیگر اشاره می‌کند (۱۳۹۳). در پایان نامه فاطمه سلیمان زاده با عنوان طراحی و ساخت جواهرات معاصر با رویکرد به جواهرات صفوی که در دانشگاه هنر اسلامی تبریز و با راهنمایی علیرضا اژدری در مقطع کارشناسی ارشد به نگارش درآمده است اشاراتی گذرا به زیورآلات دوره صفوی با تمرکز بر نقوش و به منظور استفاده در زیورآلات معاصر دیده می‌شود. علاوه بر سفرنامه‌های سیاحان هم عصر دوره صفوی

مغولان (هند) همواره جایگاه هنرمندان ایرانی بود که برای رسیدن به زندگی بهتر از وطن می‌رفتند و همکاری هنرمندان ایرانی با هنرمندان هندی موجب پدید آمدن فرهنگ هند و ایرانی شد (روملو، ۱۳۷۵، ۴۲۱).

زیورآلات مردان دربار صفوی و مغولان هند

به دلیل استفاده از سنگ‌های قیمتی و فلزات گرانبها در ساخت زیورآلات دوره صفوی و ارزش بالای این آثار در طول سده‌ها، تنها تعداد محدود و انگشت‌شماری از آنان امروزه در دسترس است لذا میتوان برای آگاهی از کم و کیف این اشیاء، از آثار و شواهد غیرمستقیمی که در این خصوص در دست است، بهره گرفت. شواهدی همچون سفرنامه‌های جهانگردانی که در این دوره از ایران و دربار صفوی بازدید کرده‌اند یا نگاره‌ها که منابع اطلاعاتی با ارزشی در مورد زیورآلات این دوره به شمار می‌آیند. به نظر می‌رسد نگارگران این دوره در ترسیم جزئیات صحنه‌های درباری، دقت زیادی به خرج می‌دادند و جواهرات و زیورآلات را در مقیاس کوچک‌تر اما با جزئیات قابل‌قبول نمایش داده‌اند. این نکته در نگاره‌های همزمان هندی به گونه‌ای بارزتر به چشم می‌خورد. نقاشان هند دوره گورکانی بر نمایش هرچه پرشکوه‌تر و ترسیم تک‌تک جزئیات جواهرات اصرار داشتند. به طوری کلی با بررسی نگاره‌های دوره صفوی و مغولان هند می‌توان دریافت که مردان این دو دربار آراسته به انواع جواهرات و زیورآلات بوده و استفاده از آنها بخشی از رسوم مرتبط با این طبقه اجتماعی به شمار می‌رفته است و نهایتاً اینکه همه این موارد مدیون رونق اقتصادی رفاه نسبی حاکم در دوره این دو حکومت می‌باشد.

در ادامه نخست به معرفی و بررسی انواع زیورآلاتی که در میان مردان دربار صفوی متداول بوده و کیفیت ساخت و نقوش آنها پرداخته خواهد شد و در مرحله بعدی مقایسه تطبیقی آن‌ها با زیورآلات مردان دوره گورکانی در هند مد نظر قرار خواهد گرفت. یادآوری می‌شود به واسطه گسترده و چند وجهی بودن موضوع مورد بحث، در پژوهش حاضر، عمده تمرکز بر گونه‌شناسی فرم و اشکال کلی زیورآلات هر دو دربار بوده و مباحثی چون گوهرشناسی، انواع تراش‌ها و روش‌های ساخت در پژوهش مستقل دیگری به تفصیل ارائه خواهد شد.

زیورآلات مردان در دوره صفوی با تأکید بر درباریان

با توجه به شواهد برجای مانده به نظر می‌رسد زیورآلات متنوع و جواهرنشان اغلب توسط مردان صفوی در قشر پردرآمد و مرفه جامعه مورد استفاده بوده است و حتی در نگاره‌های این دوره، با وجود توجه نسبی در ترسیم زیورآلات مردان، بیشتر افراد ترسیم شده با زیورآلات جواهرنشان؛ شاهان، شاهزادگان و درباریان

که اطلاعات بسیاری در این زمینه در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند، می‌توان به کتاب‌هایی با عناوین پانصد سال جواهرات سلطنتی ایران تالیف مهدی بیانی، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (۱۳۴۸) و زیورآلات زنان ایران از دیرباز تاکنون اثر جلیل ضیاءپور، نشر وزارت فرهنگ و هنر (۱۳۴۸) اشاره نمود. لازم به ذکر است این آثار بیشتر به صورت کاتالوگ، ارائه دهنده تصاویر جواهرات بوده و فاقد هرگونه اطلاعات دقیق تاریخی و هنری هستند. هم چنین در مجلدات ششم و سیزدهم مجموعه کتاب‌های سیری در هنر ایران آرتور اوپهام پوپ، نشر علمی و فرهنگی (۱۳۸۷) و پژوهش فریه در کتاب هنرهای ایران نشر فرزانه (۱۳۷۴) نیز، به زیورآلات صفوی به صورت گذرا و مختصر پرداخته شده است.

لذا رویکرد هیچ یک از این پژوهش‌ها متوجه زیورآلات مردان دوره صفوی و به منظور تطبیق با زیورآلات مردان دربار مغولان کبیر نبوده است. این در حالی است که با وجود حضور زیورآلات در نگاره‌های دوره صفوی و گورکانی و آثار برجای مانده از این هنر و صنعت، تحقیق جامعی در خصوص معرفی و شناخت انواع زیورآلات ویژه مردان و تطبیق نمونه‌ها با یکدیگر، صورت نگرفته است و انجام این پژوهش در راستای شناخت این هنر و صنعت در هر دو دوره حکومتی ضروری به نظر می‌رسد.

روابط سیاسی و فرهنگی صفویان با مغولان هند

ایرانیان و هندیان در طول تاریخ به واسطه داشتن ریشه‌های نژادی و تاریخی مشترک، همواره ارتباطات عمیق فرهنگی، اجتماعی و هنری میان خود را حفظ نموده‌اند. گرچه پیش از فتح هند به دست بابر به دلیل مشکلات داخلی هند و وجود نزاع میان حکومت‌های محلی در ایران، ارتباط سیاسی مهمی میان ایران و هند برقرار نشد، اما در دوره حکومت شاه اسماعیل اول و بابرشاه، و با حمله شاه اسماعیل اول به ازبکان ماوراءالنهر که دغدغه اصلی هر دو دولت بودند، ارتباطات سیاسی عمیق میان دو حکومت آغاز شد (روملو، ۱۳۷۵، ۱۶۱). این روابط با پناهنده شدن همایون، پسر بابر به دربار شاه طهماسب و کمک شاه‌طهماسب به بازپس‌گیری حکومت همایون ابعاد گسترده‌تری یافت (ریاض اسلام، ۱۳۷۳، ۵۳؛ منشی، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۰۰) و این روابط در دوره حاکمان بعدی نیز ادامه یافت (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸، ۳۴) و تنها در دوره حکومت اورنگ زیب روابط ایران و هند به تاریکی گرائید.

در هر صورت صفویان و مغولان (هند)، در بیشتر دوران اقتدارشان روابطی دوستانه و صلح‌آمیز داشتند و از آنجاییکه مغولان هند با کمک صفویان به قدرت رسیده بودند، خود را مدیون این دولت دانسته و در نزدیکی به ایران می‌کوشیدند. ایشان برای آداب و رسوم ایران و زبان فارسی اهمیت فراوانی قائل بودند و به گفته روملو دربار



تصویر ۱. کاخ چهلستون، جنگ شاه اسماعیل با شیبیک خان از یک،
جقه‌هایی با طرح ترنج و مرصع کاری شده، مأخذ: آقاچانی و جوانی
، ۱۳۸۶، ۷۴.

بهره گرفته می‌شد. در لغت‌نامه دهخدا، جقه شیء تزئینی به
شکل سرو خمیده، گل و بته، خورشید، ماه و امثال آن که به
کلاه نصب می‌شود معرفی شده است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۳۷،
۱۴۹). متأسفانه نمونه بر جامانده از جقه‌های عصر صفوی
وجود ندارد لذا توصیفات ارائه شده از آنها تنها بر اساس
متون و اسناد تاریخی و نگاره‌ها صورت می‌پذیرد.

به نظر می‌رسد مردان دربار صفوی از دستار و
عمامه‌هایی استفاده می‌کردند و بر روی آنها جقه‌های
جواهر نشانی نصب می‌شد. این جقه‌ها از فلزات گرانبها و
سنگهای قیمتی ساخته می‌شد. فریه در خصوص عمامه و
تزئینات آن می‌گوید: «مردان اشرافی معمولاً عمامه‌ای بر
سر می‌گذاشتند که بیشتر به تاجی تمام شباهت داشت که
جقه‌ای مزین به جواهرات و یا به حلقه‌هایی از رشته‌های
مروارید آراسته بود. علاوه بر این مردان از رشته‌های
مروارید به دور عمامه نیز استفاده می‌کردند و بر حواصل
روی عمامه می‌گذاشتند» (فریه، ۱۳۷۴، ۱۹۳). به گفته
بسیاری از سیاحان، جقه را معمولاً پادشاهان و بزرگان
دربار، شاهزادگان و اشراف استفاده می‌کردند مردان
عادی جامعه این تزئین را به کار نمی‌برده‌اند. البته جقه‌های
پادشاه با تعداد بیشتر، پرتزئین‌تر و بزرگتر از بقیه بوده
و با رشته‌هایی از مروارید به دور دستار پیچیده شده و
گاهی از انتهای جقه‌ای به انتهای جقه دیگر در سویی دیگر
از دستار امتداد می‌یافته است. این جقه‌ها به شکل انواع
نقوش هندسی و ترنج‌ها می‌باشد که از یک قاب فلزی از
جنس طلا و با نشانیدن سنگهای قیمتی مرصع تشکیل شده
است (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۶، ۳۱۰۰). تزئین دیگری که بر روی
جقه انجام می‌شد نشانیدن پرهای مختلف بوده است پرهایی
به رنگ سفید و مشکی که پر مشکی غالباً در زمان جنگ
استفاده می‌شده است؛ این پرها معمولاً از پرندگانی همچون
حواصل گرفته می‌شده است.

در کنار نگاره‌های مختلفی که از این دوره با تصاویر
دستارهای جقه‌دار برجامانده، نگاره‌هایی از کاخ چهلستون
اصفهان همچون جنگ شاه اسماعیل با شیبیک خان از یک
و مجلس پذیرایی شاه طهماسب از همایون، پادشاه هند،
پادشاهان جقه‌هایی با طرح ترنج و تزئینات ترصیع کاری
بر روی دستار قزلباش خود دارند. قاب جقه‌ها از طلا و

بوده‌اند. حتی در اشارات متون تاریخی و سفرنامه‌ها بیشتر
به شرح زیورآلات مردان طبقات مرفه جامعه پرداخته شده
است و به نوع و جنس زیور مورد استفاده مردان طبقات
دیگر تنها اشاراتی کوتاه، مختصر و گذرا شده است. شاهان
این دوره در رأس هرم، از برترین و کمیاب‌ترین جواهرات
و زیورآلات استفاده می‌کردند که عمده آنها یا از بازرگانان
اروپایی خریداری می‌شد و یا از طرف پادشاهان کشورهای
دیگر به آنها پیشکش شده بود. در رده بعد، شاهزادگان،
اشراف و درباریان قرار داشتند. آنها جواهراتی که مورد
پسند شاه قرار نمی‌گرفت، را بر اساس اولویت جایگاه،
انتخاب نموده و مورد استفاده قرار می‌دادند. گاه خود
شاه نیز برترین جواهرات خود را به آنان اهدا می‌نموده
است. دسته سوم بزرگان، حکام محلی و فرماندهان سپاه
هستند که با توجه به توان مالی خود دستور ساخت اشیاء
گوناگون را می‌دادند و به مقدار توانشان آنها را با انواع
جواهرات مرصع می‌کردند. در دسته چهارم بازرگانان،
تجار، اهل صنایع و حرف نیز در حد توان مالی خود از
زیورآلات و جواهرات بهره می‌بردند. دسته پنجم مردمان
عادی و درویشان که از زیورآلاتی بدلی یا ساخته شده از
فلزاتی کم بهاتر چون مس و سنگ‌هایی نیمه قیمتی چون
دُر و عقیق استفاده می‌کردند. بنابراین تفاوت میان فلزات و
گوهرهای استفاده شده در زیورآلات مردان طبقات مختلف
بسیار زیاد بوده است. از آنجاییکه اطلاعات موجود در
خصوص زیورآلات مردان طبقه مرفه و درباری جامعه
بیش از طبقات فرودست‌تر در دست است، لذا پژوهش
حاضر بر زیورآلات مردان درباری متمرکز شده است در
همین راستا مهمترین گروه زیورآلاتی که توسط مردان
درباری مورد استفاده قرار می‌گرفته است، عبارتند از:

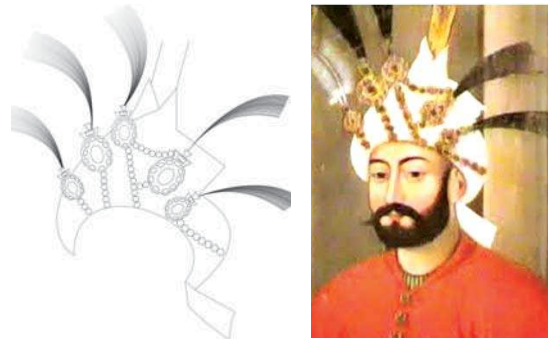
جقه و تزئینات دستار: بر اساس اسناد و مدارک
مکتوب و نگاره‌های برجامانده، شاهان صفوی از تاج به
معنای کلاه شاهانه استفاده نمی‌کرده‌اند و آنچه جهت
القاء عظمت شاهانه، استفاده می‌شده است، جقه‌ها و
تزئینات همراه آن همچون رشته‌های مروارید و نگین‌های
گوهرنشانی بوده است که بر روی دستارهای شاهانه
استفاده می‌شده است. فضل‌وزیری شکل پوشش سر
در اوایل دوره صفوی را برگرفته از دستار مخصوص
پدر شاه اسماعیل به نام شیخ حیدر می‌داند و آن را به
شکل کلاه قزلباشان که دارای ۱۲ ترک به نیت دوازده امام
شیعیان و نشان بیعت و وفاداری صاحبان آن نسبت به
امامان، بوده است، توصیف می‌نماید (فضل‌وزیری، ۱۳۹۰،
۱۱۵). به زودی استفاده از دستارهای سفید دورتادور کلاه
قزلباشی که به کلاه حیدری نیز شهرت داشت، رواج یافت.
اما از دوره سلطنت شاه عباس کبیر، استفاده از دستارهای
بزرگ و بدون کلاه قزلباشی مرسوم شد. در هر حال
دستار شاهان صفوی معمولاً از رنگ سفید بوده و از پر
پرندگان یا جقه‌های متفاوت جواهرنشانی برای تزئین آن

صفوی می‌توان به بازوبندی از این دوره اشاره کرد که در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. این بازوبند از پنج قطعه سنگ عقیق ساخته شده و روی آن آیاتی از قرآن مجید (سوره الناس) برای محافظت از بلاها حک شده است. علاوه بر این بازوبندها که بیشتر با قابی فلزی از جنس طلا، نقره و یا فولاد با چند سنگ قیمتی یا نیمه قیمتی کتیبه دار ساخته می‌شد، بازوبندهایی نیز وجود داشت که فاقد سنگ مرصع کاری شده بوده، و بر روی قابی از فلز نقره یا فولاد، آیات قرآنی، ادعیه و یا اسامی ائمه بر روی آنها مشبک‌کاری و یا حکاکی می‌شد. (تصاویر ۶ و ۷).

انگشتری: یکی از اصلی‌ترین و رایج‌ترین زیورآلات مردان این دوره است که در اسناد و متون بدان اشارات فراوانی شده است. انگشترهای مردان دربار صفوی علاوه بر کارکرد تزئینی؛ کاربرد تعویذ و مهر هم داشته‌اند. پایه این انگشتری‌ها بیشتر از نقره و کمتر از طلا ساخته می‌شد (به دلیل محدودیت استفاده از طلا برای مردان) (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۰۶). انگشتر مردان در این دوره فرمهای متنوعی داشته است. در برخی موارد بر بخش فوقانی پایه‌هایی که از جنس طلا و یا نقره بودند، نام دارنده و القاب وی حک می‌شد که به این نوع انگشتری، کاربرد مهر می‌داد. گاهی نیز پایه‌های نگین‌دار و با استفاده از سنگ‌های قیمتی همچون الماس، یشم، عقیق، فیروزه ساخته می‌شد که در اغلب موارد از آیات قرآنی یا نام ائمه معصومین (ع) به منظور تبرک و تعویذ به شیوه حکاکی روی سنگ بهره گرفته می‌شد.

یکی دیگر از مهمترین نوع انگشترهای رایج در این دوران، انگشتر شصت کمان‌داران (زهگیر) است، این انگشتر را معمولاً در انگشت شصت می‌انداختند. این انگشتر که از سده ۹ هجری به بعد متداول گشته است؛ بیشتر از انواع مختلف سنگ، چرم و شاخ جانوران ساخته می‌شد. و نزل معتقد است که در ایران بیشتر زهگیرها را ساده و از جنس عقیق یا یشم می‌ساختند و روی آن حکاکی میکردند (ونزل، ۱۳۸۷، ۱۰۶). در هر وجه این انگشتر مردانه بوده و در بسیاری از نگاره‌های دوران صفوی بر انگشت شصت بسیاری از افراد مشاهده می‌شود. (تصاویر ۸ تا ۱۰).

گوشواره: در بسیاری از نگاره‌های به جای مانده از دوران صفوی در گوش مردان، گوشواره دیده می‌شود. به نظر می‌رسد سنت استفاده از گوشواره در میان مردان صفوی، در ادامه دوره‌های قبل وجود داشته است (Jenkins، ۱۹۸۳، ۹۶). آنچنانکه بر اساس متن تاریخ و صاف؛ سلطان محمد خدابنده، شاه ایلخانی (آیتی، ۱۳۸۳، ۳۴۰ و قراپوسف، موسس سلسله قراقویونلو نیز حلقه بر گوش داشته‌اند (روملو، ۱۳۴۹، ۱۱۵).



تصویر ۲. کاخ چهلستون، پذیرایی شاه طهماسب از همایون شاه گورکانی، پنج جقه و رشته‌های اطراف آن، مأخذ: همان.

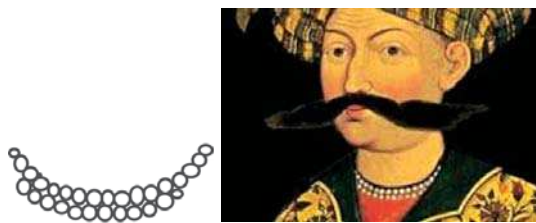
بخش مرکزی هر یک را تخم‌های گورنشان تشکیل داده و بر بخش فوقانی جقه‌ها، پره‌های حواصیل قرار گرفته که بر ابهت جقه‌ها افزوده است. گاه رشته‌های ظریف متشکل از قاب‌های طلایی گورنشان، این جقه‌ها را به یکدیگر متصل نموده است (تصاویر ۱ و ۲).

گردنبند: در تعدادی از نگاره‌های این دوره، مردان با گردنبندهایی با اشکال مختلف تصویر شده‌اند. البته به نظر می‌رسد از آنجایی که لباس درباریان و بزرگان صفوی، مزین به جواهردوزی‌های مفصل بوده است، احتمالاً مردان، کمتر از گردنبندها استفاده می‌کرده‌اند اما در مجموع و بر اساس شواهد، گردنبندهای آنها بیشتر از رشته‌های مروارید (سفید یا سیاه) و سنگهای قیمتی بوده است. در همین راستا شاردن می‌گوید، «مردان ثروتمند هفت، هشت قطعه یا بیشتر جواهر قیمتی نیز همیشه با خود به همراه دارند، آنها جواهراتشان را در کیسه‌ای کوچک می‌گذارند و آن را با رشته‌ای به گردنشان می‌آویزند و میان قبایشان جا می‌دهند. معمولاً مهر خود را نیز در همان کیسه می‌گذارند و هر زمان بخواهند نوشته‌ای را مهر کنند، یا برای تفریح خاطر خود جواهراتشان را بنگرند، یا به قصد تفاخر به دیگران نشان دهند» (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۲، ۸۱۶). البته استفاده از گردنبندهایی با نوشته‌های دعایی و طلسمایی با سنگهای ارزشمندتری مانند یشم در میان مردان مرفه نیز رواج بسیاری داشته است. (تصاویر ۳ تا ۵).

بازوبند: استفاده از بازوبند در میان مردان صفوی رایج بوده است؛ هرچند که در نگاره‌ها کمتر با آن مواجه هستیم. یکی از دلایل عدم حضور بازوبند در نگاره‌ها پوشیدگی دست افراد می‌باشد. از آنجایی که بازوبندها اکثراً نقش طلسم و تعویذ داشته‌اند و اعتقاد عمومی بر این بوده است که به منظور کارایی بیشتر می‌بایستی با پوست در تماس باشند، به همین دلیل اغلب آنها را زیر لباس بر دست می‌بسته‌اند. در میان بازوبندهای برجایمانده از دوره



تصویر ۴. گردنبند آویز با کتیبه آیه الکرسی. (URL. 1)



تصویر ۳. کاخ چهلستون، شاه عباس با دو ردیف گردنبند مروارید، مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. دو تکه بازوبند. با عبارت لافتی الاعلی، لاسیف
الانوالفقار (URL. 3)



تصویر ۵. جوانی با گردنبند آویزه دار. (URL. 2)



علی (ع) بودن، است. در گروهی دیگر از نگاره‌های برجامانده از دوره نخست صفوی، بسیاری از شاهزادگان در حالی به تصویر کشیده شده‌اند که هر کدام گوشواره‌هایی کشیده و آویزدار با تنوعی قابل توجه بر گوش دارند. احتمالاً استفاده از گوشواره در اوایل دوره صفوی برای جوانان رواج بیشتری داشته است تا مردان میانسال و کهنسال چراکه در نگاره‌ها بر چهره مردان میانسال یا کهنسال، کمتر گوشواره دیده می‌شود. به نظر می‌رسد رسم گوشواره بر گوش کردن در میانه‌های دوره صفوی به تدریج کمرنگ‌تر می‌شود. این امر احتمالاً به دلیل تأثیرپذیری از حضور پررنگ‌تر اروپائیان در این دوره است. (تصاویر ۱۱ تا ۱۳).

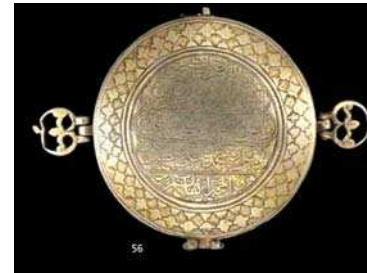
کمربند:

کمربند مردان دربار در ابتدای دوره صفوی بیشتر فلزی و باریک بوده و در فواصل معین با سگک‌ها یا گل کمربندهای ترنجی شکل و مرصع تزئین شده بودند. این کمربندها با گل‌های فلزی بر روی لباس استفاده می‌شد و هرچه مقام و موقعیت بالاتر می‌رفت، کمربند از جنس گرانبه‌تری تهیه می‌شد تا جایی که بین ثروتمندان از کمربند با گل‌های طلا یا مرصع رایج بود. در بسیاری از نگاره‌های این دوره انواع این کمربندها را می‌توان مشاهده کرد. نگاره‌های فراوانی از دوران صفوی وجود دارد که افراد

بر اساس نگاره‌ها، گوشواره مردان صفوی گاه حلقوی و نسبتاً درشت بوده و گاه نیز برخی از مردان گوشواره‌های آویزدار استفاده می‌کردند (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۶، ۳۱۰۰). در ادبیات پارسی، "حلقه برگوش بودن" همواره نشان از اطاعت محض و بی‌چون و چرا است. در دوره صفوی، گوشواره حلقوی را در چندین مورد می‌توان دید. نخست در گوش ملازمان و خدمه خاص، آنگونه که در نگاره‌های بسیاری در شاهنامه شاه طهماسب نیز در گوش خدمه ویژه در صحنه‌های درباری گوشواره‌هایی مدور و ضخیم می‌توان مشاهده نمود. همچنین این مسئله حتی در مورد افرادی در طبقه بالاتر که تمایل به نشان دادن وفاداری و فرمانبرداری از شاه داشتند، نیز دیده می‌شد آنچنانکه رابرت شرلی انگلیسی، علاوه بر تأکید بر پوشش ایرانی داشتن، گوشواره‌ای حلقوی با الماسی درشت در میان آن، بر گوش می‌کرد (نوایی، ۱۳۶۴، ۲۲۰). لذا این سنت حداقل تا دوره حکومت شاه عباس دوم ادامه داشته است. گواه دیگر این مدعا تأکید اسکندر بیگ منشی در عالم آرای عباسی در مورد ملک‌علی، جارچی‌باشی شاه عباس است، که "گوشواره بزرگ مرصع از دو طرف آویزان می‌کرد" (منشی، ۱۳۸۲، ج ۲، ۸۸۵). جالب توجه آنکه در نگاره‌های بسیاری که در قالب سبک اصفهانی، شکل گرفته‌اند، در اویش با گوشواره‌هایی حلقوی بر گوش ترسیم شده‌اند که نشان دهنده رواج این سنت در میان درویش صفوی و نمادی از مطاع اوامر امامان معصوم (ص) به ویژه امام



تصویر ۸. انگشتری از نقره با نگینی از یشم سبز. (ونزل، ۱۳۸۷، ۱۰۲).



تصویر ۷. بازوبند نقره با نام ائمه معصومین (URL. 3)



تصویر ۱۰. انگشتر زهگیر صفوی، یشم، مأخذ: Moshtagh Khurasani, 2006، 748



تصویر ۹. مهر انگشتر نقره (URL. 4)

هندی در کنار یکدیگر بهره گرفته شد. شکوفائی صنعت و هنر زرگری و جواهرسازی در این دوره به اوج خود رسید و ارتباطات فرهنگی با ایران در این شکوفائی بی تأثیر نبود آنچنانکه تخت سلطنتی مشهور به تخت طاووس که برای شاهجهان ساخته شد و از شاهکارهای عصر گورکانی به شمار می‌رود، در کارگاه طلاسازان و با ریاست طلاساز ایرانی سعید گیلانی و به مدت هفت سال ساخته و مرصع شد (ایمان، ۱۳۸۶، ۳۳۷؛ استرآبادی، ۱۳۷۷، ۷۴۸) و شاهجهان در جشن نوروز سال ۱۶۳۵ م. / ۱۰۴۴ هـ ق بر آن تخت جلوس کرد. این امر نمونه و نشانه‌ای از جابه‌جایی، مهاجرت و یا تبادل هنرمندان و در نتیجه تبادل شیوه‌ها و سبک‌های هنری و دلیلی بر وجود اشتراکات بسیار در این صنعت و هنر در میان این دو حکومت قدرتمند است.

زیورآلات رایج برای مردان دربار گورکانی هند، انواع متنوعی همچون جقه، گوشواره، گردبند، انگشتر، دستبند، بازوبند و کمربند را دربرمی‌گیرند که در این بخش به ویژگیهای کلی آن پرداخته خواهد شد:

جقه و تزئینات دستار:

همچون ایران، استفاده از جقه در میان بزرگمردان هندی به صورت گسترده رایج بود. جقه‌ها انواع مختلف و متنوعی داشت و گرچه در ابتدای دوره مغول، بیشتر جقه‌ها حالتی عمودی داشته اما بعدها، عمدتاً شکل چلیپایی پیدا کرده که یا به صورت مستقل و یا متصل به بخش عمودی جقه ساخته می‌شد. جقه‌های هندی نیز همچون ایران، گاه با پر (ترجیحاً پر حواصیل) تزئین می‌شد. علاوه بر جقه،

را با کمربندهای گوناگون نشان می‌دهد (تصاویر ۱۴ و ۱۵). بر اساس نگاره‌ها به نظر می‌رسد از دوره شاه عباس اول به بعد، کمربندهای پهن و شال مانند، جای کمربندهای زرین سگ‌دار را می‌گیرد.

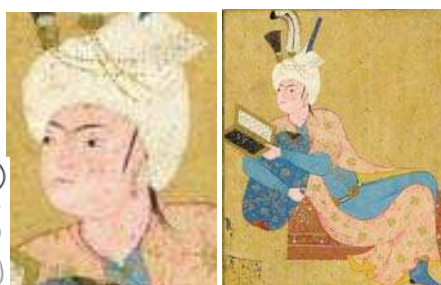
زیورآلات مردان دربار گورکانی (هند)

بر اساس پیشینه فرهنگی و تاریخی موجود در هندوستان از دیرباز افراد از هر طبقه اجتماعی به استفاده از انواع مواد و مصالح و زیورآلات توصیه می‌شدند که البته نوع مصالح و یا شیوه استفاده از انواع آن بر اساس مذهب و طبقه مورد نظر، در نظر گرفته می‌شد.

در این راستا بروئل عمده مصالح طبقات مرفه را طلا ذکر کرده در حالیکه در میان طبقه کشاورزها، همان گروه از زیورآلات با فلز برنج ساخته و استفاده می‌شد (Brunel, 1973, 103). جواهرات هند اکثراً دارای نقوش و فرمهای سمبلیک و نشانه‌مند هستند. «سمبول‌هایی که در جواهرات هند یافت می‌شوند، را می‌توان نوعی زبان استعاره به شمار آورد که از استفاده‌کننده جواهر به بیننده انتقال پیدا می‌کند» (Brij Bhushan, 1972, 12). در آیین هندو ازدواج امری مقدس و ارزشمند بشمار می‌آید، که یکی از سنتهای آن خرید و استفاده از زیورآلات است. حتی برخی زیورآلات مانند گردنبندها و حلقه بینی در هند سمبل ازدواج هستند. زیورآلات در کشوری مانند هند تا حدی باعث شناسایی طبقات اجتماعی افراد است (Donger kery, 1970, 68) در دوران گورکانیان هند به واسطه گستره حکومتی و حضور اقوام مختلف در حکومت، از طرح‌های اسلامی و



تصویر ۱۲. شاهزاده صفوی با گوشواره حلقه‌ای با آویزه‌های مدور. (URL. 6)



تصویر ۱۱. شاهزاده صفوی با گوشواره‌های آویزدار (URL. 5).



تصویر ۱۴. تک چهره شاه عباس اول. (URL. 7)



تصویر ۱۳- تک چهره شاه عباس اول. (URL. 7)



تصویر ۱۵. مجلس کیکاووس، کمربندهای طلایی با گل کمر به شکل گل (URL. 8)

پادشاهان و درباریان هند دوره مغول نیز همچون صفویان، از رشته‌های مروارید و سنگ‌های قیمتی به دور دستارشان استفاده می‌کردند. این رشته‌ها در پشت جقه ثابت شده و در میان آنها از سنگ‌های قیمتی همچون یاقوت یا زمرد استفاده می‌شد. (تصاویر ۱۶ تا ۱۸).

گردنبند:

به نظر می‌رسد با وجود منع مستقیم احکام اسلامی، بیشتر انگشتر مردان طبقات مرفه جامعه با قابی از طلا ساخته می‌شد. این انگشترها در اغلب موارد تمام طلا بوده یا با یک یا چند نگین از سنگ‌های قیمتی همچون یاقوت و یا زمرد تزئین می‌شده است. استفاده از انگشتر در انگشت کوچک بیش از سایر انگشت‌ها رواج داشته، با این وجود استفاده از انگشتری در همه انگشتان و اغلب همزمان دو یا چند انگشتری در یک دست زیاد دیده می‌شود. لازم به ذکر است بیشترین نوع انگشتری که در انگشت شست مردان هندی دیده می‌شود انگشتر زهگیر بوده که گرچه در مواردی ساده ساخته می‌شد اما در بیشتر موارد بسیار پر تزئین‌تر از انگشتری‌های زهگیر در ایران بود و عمدتاً به شیوه کوندان‌کاری^۱ و ترصیع‌کاری به طور همزمان تزئین می‌شدند. (تصاویر ۲۳ و ۲۴).

گوشواره:

مردان مغول گوشواره‌هایی به شکل حلقه‌ای و آویزدار استفاده می‌کردند، این رسم در میان آنان نسبت به مردان ایرانی رواج بیشتری داشت. آنان گوشواره‌های حلقه‌ای خود را با مروارید یا سنگ‌های قیمتی به صورت منفرد یا ترکیبی درمیانه آنها، تزئین می‌کردند. گاه نیز بر گوش

براساس نگاره‌های برجامانده از دوره تیموریان گورکانی هند؛ مردان طبقه مرفه، شاهان و شاهزادگان تیموری بیش از مردان ایرانی از گردنبند استفاده می‌کردند به گونه‌ای که کمتر تصویری از مردان طبقه یادشده می‌توان دید که در آن چند گردنبند با اشکال و اجناس مختلف به ویژه مروارید ترسیم نشده باشد. عموم این گردنبندها با سنگ‌های قیمتی همچون یاقوت، زمرد، گاه به صورت مستقل و گاه در قابی طلایی تزئین می‌شدند. (تصاویر ۱۹ و ۲۰).

بازوبند،

مردان گورکانی هند تمایل بیشتری برای بستن بازوبند بر روی لباس نسبت به مردان صفوی داشته‌اند به گونه‌ای که اغلب مردان درباری ترسیم‌شده در نگاره‌ها دارای بازوبندهایی بر یک یا هر دو بازوها هستند. این بازوبندها از رشته‌های مروارید یا سنگ‌های قیمتی ساده یا حک شده در قابی طلایی تشکیل ساخته می‌شدند. (تصاویر ۲۱ و ۲۲).

انگشتری: مردان هندی در این دوره از انگشتر به فراوانی بهره می‌بردند به همین دلیل در نگاره‌ها نیز در دستان مردان، تعداد قابل توجهی از انواع انگشتری‌ها دیده می‌شود.

۱. فناوری تزئینی منحصربه‌فرد در هند برای گوهرنشانی در فلزات و سنگ‌های سخت با استفاده از طلای کاملاً ناب که به شکل ورقه‌های نازک چکش‌کاری شده و بدون نیاز به حرارت اضافی در دمای محیط به یکدیگر متصل می‌شود. (Rosemary, Stronge and) (Topsfield, 2004: 190-202)



تصویر ۱۸. تکنگاره شاهجهان، جقه با پر حواصیل، رشته‌های مروارید و سنگهای قیمتی (URL.10)



تصویر ۱۷. جقه چلیپایی هندی، طلا و مرصع با گوهر (URL.9)



تصویر ۱۶. جقه عمودی هندی، طلا و مرصع بانواع گوهر (URL.8)



تصویر ۲۱. بازوبند زمرد دوره مغول (URL.2)



تصویر ۲۰. شاه جهان و پسرش دارالشکوه با گردنبندها، گوشواره، دستبند و رشته دستار (URL.7)



تصویر ۱۹. جهانگیر و پدرش اکبرشاه، با گردنبندها، انگشتر، دستبند و رشته دستار مرصع (URL.7)

آن فرهنگی و هنری عمیق و همه جانبه، در بیشتر زمینه‌ها بر یکدیگر تأثیرگذار بوده و روندی نسبتاً یکسان و متقابل را در این دوران طی نموده‌اند. زیورآلات نیز از این امر مستثنی نبوده است. گرچه مردان صفوی و مغول (هند) هر دو از جقه استفاده می‌کردند اما جقه مردان مغول (هند) تنوع بیشتری از نظر فرم داشته است. در حالیکه در دربار صفوی، جقه‌ها عمدتاً به شکل ترنج، گل چندپر یا منفرد بوده و تنها از سوی گروهی ویژه مورد استفاده قرار می‌گرفت اما در دربار گورکانیان هند، جقه‌ها ابتدا حالتی عمودی داشته اما بعدها بیشتر چلیپایی شکل ساخته می‌شدند. در حالیکه به نظر می‌رسد این فرم در دوره‌ی صفوی چندان مورد استقبال قرار نگرفته است. در هر دو دربار، مردان از رشته‌های مروارید دور دستار استفاده می‌کردند اما در دوره مغولان (هند) در میان مرواریدها، سنگهای قیمتی نیز در قابی از طلا قرار داده می‌شده است.

گردنبندها در میان مردان صفوی و مغول (هند) رواج نسبتاً گسترده‌ای داشته است اما مردان صفوی بخصوص پادشاهان و اشراف به دلیل تزیینات بسیار زیاد لباس (جواهردوزی بر روی لباس) مجال کمتری برای انداختن گردنبندها داشته و گردنبندهای مورد استفاده آنها گاه به رشته‌هایی منفرد یا دوگانه مروارید محدود می‌شده است اما در برابر، مردان مغول (هند) که لباسهایی با پس زمینه ساده‌تر و تکرنگ بر تن می‌کردند، از گردنبندهایی با رشته‌های چندگانه و بلند مروارید بهره می‌بردند که در اغلب موارد در میان آنها سنگهای قیمتی مختلفی نیز قرار

آنها مرواریدی تک به صورت میخی یا آویخته بر یک حلقه طلایی دیده می‌شود. (تصاویر ۲۵ و ۲۶).

کمربند: کمربند مردان هندی از نواری مطلا و مرصع به انواع سنگهای قیمتی و ارزشمند تشکیل شده بود که گاه با یک گیره طلا در جلو مزین می‌شد. تنوع در استفاده از انواع گوهرها و کمیت استفاده از آنها در میان مردان دربار مغولان هند بسیار بیش از درباریان ایرانی بوده است (تصاویر ۲۷ و ۲۸).

النگو و دستبند:

برخلاف مردان صفوی که از النگو و دستبند استفاده نمی‌کردند، مردان گورکانی هند به صورت گسترده از این زیور بهره می‌گرفتند. النگوها برای تزئین هر دو دست استفاده می‌شد و رشته‌های مروارید با نگین‌هایی از سنگهای قیمتی در میانه آنها؛ قابهای چهارگوش از طلا با ترصیعکاری سنگهای قیمتی و مروارید؛ اجرای تزئین کوندان کاری و ترصیع کاری روی حلقه‌های سنگی دستبند، و یا حلقه‌های طلا با نقوش کنده کاری شده از عمده انواع النگوها یا دستبندهای مردان این دوره بوده است. (تصاویر ۲۹ و ۳۰)

تطبیق زیورآلات مردان دربار صفوی و گورکانی هند، در مجموع از مقایسه فرم و انواع زیورآلات مردان دربار صفوی با گورکانیان هند می‌توان گفت که دو دولت صفوی و مغولان (هند) به دلیل ارتباطات سیاسی و متعاقب



تصویر ۲۲. بازوبند دوره مغول با مروارید مرصع با سنگهای قیمتی، مأخذ: Jenkins, Keene, 1983: 125



تصویر ۲۴. انگشتر زهگیر یشم با تزئینات کوندان کاری، (URL. 10)



تصویر ۲۳. انگشتر طلا با نگین زمرد، (URL. 10)

خدمه‌ها گوشواره‌های ساده‌ی حلقه‌ای بر گوش داشته‌اند. بازوبند نیز با وجود رواج نسبی در میان مردان دربار هر دو کشور، در ایران بیشتر زیر لباس و با کارکرد طلسمایی و ارجحیت آن بر کارکرد تزئینی، به کار گرفته می‌شده در حالیکه در هند از جمله زیورآلات رایج بوده که با سنگهای قیمتی مزین شده و بر روی لباس مردان در یک یا هر دو دست بسته می‌شده است.

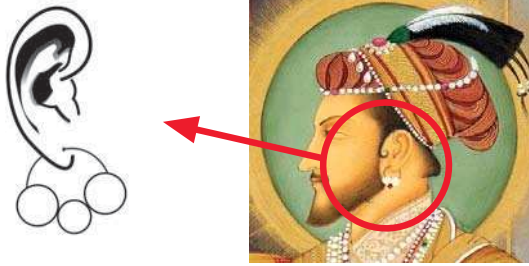
کمربند نیز در میان مردان درباری دو کشور بسیار رواج داشته است. کمربندهای مردان دربار صفوی تا پیش از دوره حکومت شاه عباس، فلزی و یا چرمی با گل‌های کمر با اشکال مختلف به ویژه ترنج‌ها و گل‌های چند پر از جنس طلا، نقره و فولاد بوده است که با شیوه‌های ترصیع‌کاری، مشبک‌کاری، حکاکی و قلمزنی تزئین می‌شده است. کمربندهای مردان مغول هند نیز به همین ترتیب و از فلزات پربها با تزئینات ترصیع‌کاری بوده است. همچنین استفاده از برخی زیورآلات همچون دستبندها و انگوها تنها در میان مردان هند دوره مغول دیده شده است و استفاده از آن در میان مردان دربار صفوی به چشم نمی‌خورد.

همچنین به نظر می‌رسد به طور کلی میزان استفاده از سنگهای قیمتی به ویژه زمرد، یاقوت، الماس و جید در زیورآلات مردان دوره گورکانی، به نسبت با مردان

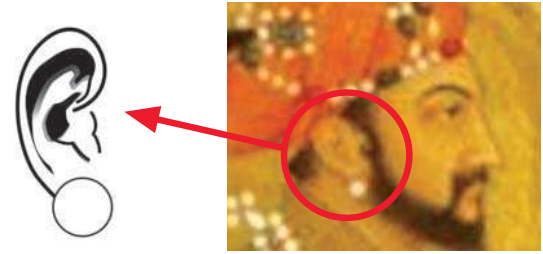
می‌گرفت.

انگشتر بیشتر مردان صفوی جنبه کاربردی همچون مهر، تعویذ یا دعا داشته و جنس بیشتر آنها نقره و یا با پایه نقره و رکابی از طلا بوده است، اما انگشتر مردان دربار مغول (هند) بیشتر جنبه نمایشی و تزئینی داشته و بیشتر از فلز طلا، استخوان حیوانات و عاج بوده است. درباره انگشتر زهگیر باید به این نکته اشاره نمود که زهگیرهای مردان ایران از سنگهای مختلف به ویژه عقیق و یشم بوده و اغلب ساده و بدون تزئین اما زهگیر مردان دربار مغول بیشتر از سنگ یشم با تزئینات بسیار ظریف و مزین به تزئین کوندان بوده که بیشتر جنبه نمایشی آن مد نظر بوده است.

گوشواره در گوش تمامی مردان مغول (هند) اعم از پادشاه، شاهزادگان و خدمه دیده می‌شود. گوشواره‌های متداول در بین آنها مرواریدی به شکل میخ یا آویخته بر حلقه‌ای کوچک است که در گوش قرار می‌گیرد و هم چنین حلقه‌ای که دو مروارید و سنگی از یاقوت سرخ و یا زمرد در بین مرواریدها قرار گرفته است، اما در دوره صفوی کمتر در گوش شاهان گوشواره‌ای دیده می‌شده ولی در گوش شاهزادگان همچون مغولان هند گوشواره‌های آویزی و مرواریدی دیده می‌شود. همچنین کمانداران و



تصویر ۲۶. شاه جهان با گوشواره، گردنبند، دستبند، بازو بند، انگشتر و جقه و رشته دستار (URL.11)



تصویر ۲۵. نگاره‌ای از شاه جهان با گوشواره مروارید (URL. 10)



تصویر ۲۹- الگو سنگ یشم، کوندان کاری و مرصع کاری، (URL.7)



تصویر ۲۷. گیره کمربند، مرصع با سنگهای قیمتی، (URL.6)



تصویر ۳۰. دستبند مرصع، مأخذ: Jenkins, Keene, 1983: 124



تصویر ۲۸. گیره کمربند، سنگ یشم، کوندان کاری و ترصیع کاری، (URL. 12)

النهرین به ایران و از ایران (پس از انقراض هخامنشیان) به هند رفته بود همواره در هنر زیورسازی هر دو کشور، حضوری پررنگ داشته است. این در حالی است که هندیان با هنر ملیله کاری در دوران صفویه آشنا شدند و در بستر فرهنگی ایجاد شده توسط مغولان هند، ملیله کاری رشد قابل ملاحظه‌ای نمود. به طور کلی هندی‌ها به دلیل فلسفه حفظ حداکثر سنگ پس از تراش و استفاده از سنگ‌های نامتقارن در جواهرات، سبک کوندان کاری را اختراع نمودند که در آن با سیم طلا می‌شد دور هر سنگی و با هر فرمی را محیط کرد. این سبک در اصل هندی بوده و نیازمند مهارت بالایی بود. اما در ایران دوران صفوی

ایرانی دوره صفوی بیشتر بوده که این امر بی‌شک، ارتباط مستقیم با وجود معادن کثیر و ارزشمند سنگ‌های قیمتی در هندوستان داشته است. از آنجایی که ایران عمدتاً دارای منابع لاجورد، فیروزه و مروارید بود، یکی از بزرگترین واردکنندگان سنگ و حتی جواهرات از هند بشمار می‌آمد. سلیقه تقریباً مشترک این دو ملت باعث می‌شد بسیاری از جواهرات صادر شده، مخصوصاً سنگ‌ها بدون تغییر روی زیورآلات ایرانی نشانده شوند. در مجموع مهارت استادکاران ایرانی بیش از آنچه بر روی تراش سنگ باشد، در حکاکی بر گوهرها بود. لازم به ذکر است در زمینه روش‌های ساخت، روش کهن گرانول کاری^۱ نیز که از بین

۱. گرانول کاری (Granulation) یکی از فناوری‌های کهن در ساخت جواهرات است که در آن سطح جواهر متناسب با الگوی مورد نظر در آن (که اغلب هندسی است) با دانه‌های گوی مانند کوچک و ظریف از فلزات گرانبها به ویژه طلا تزئین می‌شود. (URL. 13)

جواهرات ترجیحاً به سبک عثمانی ساخته می‌شد بدین گونه که برای سنگ‌های قیمتی قاب می‌ساختند؛ یا اینکه سنگ‌ها را در عمق طلا کار می‌گذاشتند. میناکاری نیز از دیگر روش‌هایی است که از ایران به هند انتقال یافته و در آنجا رشد کرد. در حقیقت میناکاران هند از میناکاران ایران دارد. (جدول ۱).

جدول ۱. نمونه‌های تطبیقی زیورآلات مردان صفوی و گورکانیان هند، مأخذ: نگارندگان.

نوع زیور	نتیجه تطبیق
جقه	جقه مردان صفوی به اشکال ترنج یا گل چندپر، منفرد یا چندتایی و جقه مردان مغول در ابتدا عمودی بوده اما بعدها بیشتر از جقه‌های چلیپایی استفاده می‌شود.
گردنبند	گردنبند مردان صفوی بیشتر رشته‌هایی منفرد یا دوگانه مروارید و گاه آویزه‌دار بوده اما مردان مغول هند گردنبندهایی با رشته‌های چندگانه و بلند مروارید با سنگ‌های قیمتی مختلف داشته‌اند.
بازوبند	بازوبند در ایران صفوی بیشتر زیر لباس و گاه روی لباس به شکل ترنج یا گل و با آیات و ادعیه و در هند بر روی لباس با سنگ‌های قیمتی و بصورت گسترده‌تر استفاده می‌شد.
انگشتر	انگشتر مردان صفوی نقره یا طلا و انگشتر مردان مغول هند از طلا و گوهرنشان بوده‌است. زهگیر ایرانیان از سنگ‌هایی چون عقیق و یشم و بدون تزیین اما زهگیر مردان مغول بیشتر از یشم با تزیینات کوندان بوده‌است.
گوشواره	گوشواره بیشتر در اوایل دوره صفوی و به صورت تک مروارید یا حلقوی و ساده و گاه آویزه‌دار و در مردان مغول هند، تک‌مروارید یا همراه با دیگر سنگ‌های قیمتی بوده‌است.
کمربند	در اوایل دوره صفوی، مردان کمربندهای چرمی با سگک‌های فلزی از طلا، نقره و فولاد ترصیع‌کاری و مردان مغول هند نیز از کمربندهایی از فلزات پربها با تزیینات ترصیع‌کاری استفاده می‌کرده‌اند.
دستبند و النگو	دستبندها و النگوها تنها در میان مردان هند دوره مغول دیده شده و نمونه آن در میان مردان صفوی بدست نیامده‌است.

نتیجه

زیورآلات نموداری از ایدئولوژی، مذهب، اقتصاد و توانایی ملت پدید آورنده است و تنوع آنها خود معرف اجتماعی است که آنها را ساخته است. همچنین انواع، فرم‌ها، طرح‌ها و مصالحی که در ساختن آنها به کار رفته است، مبین صنایع و هنرهای کشور سازنده است و میراث هنر ملی و تاثیر جهان خارج بر آن را نمایان می‌سازد. سلیقه حکمرانان و طبقات مرفه‌تر اجتماع کشور را عیان می‌کند و میزان منابع در دسترس ایشان را نشان می‌دهد. از این رو پژوهش‌های این حوزه، امکان شناخت هرچه عمیق‌تر صنایع و هنرها، ارتباطات تجاری و فرهنگی و هنری، و میزان تأثیرگذاری و اثر بخشی سبک‌های مختلف هنری را در میان تمدن‌های مختلف فراهم می‌سازد. همچنین با در نظر گرفتن این امر که عمده پژوهش‌های این حوزه در اغلب دوره‌ها و حکومت‌ها از جمله بازه زمانی مد نظر و دو حکومت صفوی و گورکانی هند، بر روی زیورآلات زنان متمرکز شده است و در این میان، بررسی زیورآلات مردان مغفول مانده است، پژوهش حاضر می‌تواند به تنویر گوشه‌هایی تاریک از تاریخ، فرهنگ و هنر این دو تمدن کمک نماید.

ارزشمند بودن فلزات گرانبهائی به کار رفته در زیورآلات دوره صفوی سبب شده که در طول چند سده، سوداگران با تبدیل آنها به شمش، ارزش واقعی و فرهنگی آنان را از میان برده باشند، از این رو زیورآلات اندکی از مردان دوره صفوی برجامانده است و بیشترین منابع اطلاعاتی در مورد این آثار، نگاره‌های باقی مانده از این دوران و اشاراتی است که در سفرنامه‌های سیاحانی که در این دوره از ایران و دربار صفویه بازدید کرده‌اند. در سفرنامه‌های این دوره، سیاحان از زیورآلات و جواهرات بسیاری سخن می‌رانند و دربار صفویه را بسیار پرتجمل معرفی می‌کنند و شاه، شاهزادگان و مردان بلند مرتبه صفوی را با لباسهایی بسیار گرانبها و جواهردوزی شده و دارای زیورآلات فراوان توصیف می‌نمایند که نمود برخی از این توصیفات را می‌توان در نگاره‌ها این دوره مشاهده نمود.

به دلیل اشتراکات و تناسبات نزدیک سیاسی، فرهنگی و هنری که میان دو کشور ایران و هند در بازه زمانی میان سده‌های دهم تا اوایل یازدهم ه.ق. / پانزدهم تا هجدهم میلادی پدید می‌آید، اثرگذاری و تأثیرپذیری مضامین، فرم‌ها، ساختار و یا حتی فناوری‌های موجود در حوزه‌های مختلف هنری در این دو کشور بیش از گذشته رخ می‌نماید. این همسانی در انواع فرم‌های زیورآلات مورد استفاده مردان وابسته به دربار صفوی از یک سو و گورکانیان هند از سوی دیگر نیز دیده می‌شود. استفاده از جقه و رشته‌های مروارید در تزئین دستارها به عنوان تاج‌های شاهی یا درباری، گردنبندها، انگشتری‌ها، بازو بندها، گوشواره و کمر بندها از نمونه زیورآلاتی هستند که در میان درباریان هر دو حکومت بسیار پر رواج و محبوب هستند. این اشتراکات در استفاده از نوع زیورآلات، کلی بوده و بدیهی است متناسب با بسترهای فرهنگی هر حکومت، در جزئیات تفاوت‌هایی دیده می‌شود که بر اساس میزان دسترسی به منابع و معادن سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی در هر یک از این دو کشور، معناپذیری منطقی می‌یابند بدین گونه که در ایران بیشتر از فیروزه، عقیق یا مروارید، و در هند بیشتر از یاقوت، زمرد، یشم و الماس بهره گرفته می‌شد. تفاوت دیگری که در زمینه انواع زیورآلات مردان دربار در میان دو حکومت به چشم می‌خورد، استفاده از النگو و دستبند است که با وجود محبوبیت در میان دربار هند دوره گورکانی، شواهدی مبنی بر استفاده از این دو فرم در میان مردان صفوی مشاهده نشد. لازم به ذکر است در میانه دوره صفوی با حضور گسترده‌تر اروپائیان در ایران، استفاده از زیورآلاتی همچون جقه، گوشواره یا کمر بندهای سگک‌دار به تدریج رنگ می‌بازد.

همچنین بر اساس شواهد چنین می‌توان نتیجه گرفت که در استفاده از برخی انواع زیورآلات در دربار صفوی در کنار کارکرد تزئینی؛ کارکرد مذهبی، طلسمائی و تعویذی نیز مد نظر بوده و این امر بیشتر در ساخت انواع بازو بند، انگشتری و گاه گردن بند مشاهده می‌شود در حالیکه در دربار هند دوره گورکانی، ویژگی تزئینی زیورآلات به وضوح بر سایر موارد ارجح شمرده می‌شده است. کمیت آثار حکاکی شده با مضامین مذهبی،

انبوه سنگ‌های قیمتی به کار رفته و همچنین استفاده از طلا در زیورآلات مردان با وجود منع احکام اسلامی، از جمله دلایل این مدعا هستند.

در مجموع به نظر می‌رسد زیورآلات در هر دو کشور نمادی از جایگاه اجتماعی افراد و برای نشان دادن قدرت، ثروت و زیبایی به شمار می‌آمده است. در همین راستا پیشنهاد می‌شود جهت شناخت همه‌جانبه این بخش از صنعت و هنر در هر دو کشور، مطالعات گهرشناسی، تراش و انواع تزئینات زیورآلات در پژوهش‌های آتی مد نظر قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- استرآبادی، محمد مهدی، ۱۳۷۷، جهانگشای نادری، تهران، انجمن آثار ملی.
- ایمان، رحم علیخان، ۱۳۸۶، منتخب اللطایف، تهران، طهوری.
- آقاجانی، حسین، و جوانی، اصغر؛ ۱۳۸۶، دیوارنگاری عصر صفویه در اصفهان کاخ چهلستون، تهران، فرهنگستان هنر.
- آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۸۳، تحریر تاریخ و صاف، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیانی، مهدی، ۱۳۴۸، پانصد سال تاریخ جواهرات سلطنتی ایران، تهران، بانک مرکزی ایران اداره بررسی‌های اقتصادی.
- پوپ، آرتور، اکرم، فیلیس، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران، ویرایش سیروس پرهام، جلد ششم و سیزدهم، تهران، علمی فرهنگی.
- خواجه اصفهانی، محمد معصوم، ۱۳۳۸، خلاصه السیر، تهران، علمی فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۱، لغت نامه دهخدا، تصحیح شورای نویسندگان، جلد سی و هفت، شصت و پنج، هشتاد و یک و یکصد و چهل و هشت، تهران، سازمان لغت نامه.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- روملو، حسن بیگ، ۱۳۴۹، احسن التواریخ، ۲ ج، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- روملو، حسن بیگ، ۱۳۷۵، احسن التواریخ، ج، تهران، بابک.
- ریاض الاسلام، ۱۳۷۳، تاریخ روابط ایران و هند در دوره صفویه و افشاریه، ترجمه محمد باقر آرام و عباسقلی عناری فرد، تهران، امیر کبیر.
- سلیمان زاده، فاطمه، ۱۳۹۱ طراحی و ساخت جواهرات معاصر با رویکرد به جواهرات دوره صفوی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، به راهنمایی علی رضا ژدیری، منتشر نشده.
- شاردن، جان، ۱۳۷۴، سفرنامه، ترجمه اقبال یغمایی، جلد دوم و سوم، تهران، توس.
- ضیاء پور، جلیل، ۱۳۴۸، زیورهای زنان ایران از دیر باز تا کنون، تهران، وزارت فرهنگ و هنر.
- غافل مبارکه، پگاه؛ خواجه احمد عطاری، علیرضا و تقوی نژاد، بهار، ۱۳۹۳، بررسی تطبیقی جواهرات موجود در نگاره‌های ایران و هند در دوره فتحعلیشاه قاجار، مطالعات هنر اسلامی، ش ۲۰، ۴۳-۳۹.
- فریه، دبلیو، ۱۳۷۴، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، فرزانه.
- فضل وزیری، شهره، ۱۳۹۰، لباس پارچه صفویان به روایت نگارگری، کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی، ماه هنر، ش ۱۵۹، ۱۱۴-۱۱۹.
- منشی، اسکندر بیگ، ۱۳۸۲، تاریخ عالم آرای عباسی، ۳ ج، تهران، امیرکبیر.
- نویی، عبدالحسین، ۱۳۶۴، ایران و جهان، تهران، هما.
- واله اصفهانی، محمد یوسف، ۱۳۷۲، خلدبرین، هاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ونزل، ماریان، ۱۳۸۷، انگشتریها، مترجم غلامحسین علی مازندرانی، تهران، کارنگ.



ویل، پگاه، ۱۳۸۵، بررسی و مقایسه هنرهای نقاشی و صنایع دستی در قرون ۱۰ تا ۱۲ ه.ق.، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، منتشر نشده.

Brij Bushan, Jamil, 1972, Decorative Indian Jewelry, Ornaments and Designs, Bombay, Taraporevala Sons.

Brunel, Francis, 1973, Jewelry of India, Five Thousand Years of Tradition, Bambay.

Dongerkerly, Kamala Sunderrao Kulkarni, 1970, Jewelry and Personal Adornment in India, New Delhi, Indian Council for Cultural Relations.

Jenkins, M, & Keene, M, 1983, The Islamic Jewelry in the Metropolitan Museum of Art, New York, Metropolitan Museum of Art.

Moshtagh Khorasani, Manouchehr, 2006, Arms and Armor from Iran the Boronze Age to the End of the Qajar period, Tubingen, Legat Verlag.

Pack, greta, 1961, Enameling and Jewelry, Princeton, D, Van Nostrand Company.

Rosemary, C, & Stronge, S & Topsfield, T, 2004, Arts of Mughal India, Studies in Honor of Robert Skelton, London· Victoria and Albert Museum, 190-202.

The Shahnama of Shah Tahmasb, 2014, Tehran, Vije & Metropolitan Museum.



- End of the Qajar period, Tubingen, Legat Verlag.
- Pack, greta, (1961). Enameling and Jewelry, Princeton, D. Van Nostrand Company.
- Pope, A. U., Acherman, Ph. (2008), Survey of Persian Art, Volume. VI & XIII, Parham, S. (Ed.), Tehran, Ilmi Farhangui.
- Riyaz al- Islam. (1994), History of Iran and India Relations (in Safavid and Afsharid Period), Tehran. Amir Kabir.
- Roomlo, H. B. (1996), Ahsan al Tawarikh, Nawayi, A. H. (Ed.), Tehran, Babak.
- Soleyman Zadeh, F. (2012), Design and Manufacture of Contemporary Jewelry with an Approach to Safavid Period Jewelry, M.A Thesis in Tabriz Islamic Art University, Azhdari, A. R. (Sup.), Unpublished.
- The Shahnama of Shah Tahmasb, (2014). Tehran, Vije & Metropolitan Museum.
- Turkman, S. B., (2003), History of Aalam Aray Abbasi, Afshar, I. (Ed.), Tehran, Amir Kabir.
- Valeh Isfahani, M. Y. (1993), Paradise, Tehran, Endowment Foundation of Dr. Mahmoud Afshar.
- Weel, P. (2006), Study and Comparison of Painting Arts and Handicrafts in the 10th to 12th A.H., M.A Thesis in Tehran University (Unpublished).
- Wenzel, M. (2008), Ornament & Amulet, Tehran, Karang.
- Ziyae Poor, J. (1969), Iranian Women's Jewelry since the Beginning till Now, Tehran, Culture and Art Ministry.



about jewelry making and the use of jewelry among men. The ornaments and Jewelry left from this period from the courts of both governments reflect the general commonalities in the shape and types of jewelry, and the styles of construction and decoration in this industry and art. Also, based on the evidence, it can be concluded that in the use of some types of jewelry in the Safavid court, along with decorative function, religious, talismanic, and amulet-wise functions had also been considered in manufacturing of all kinds of bracelets, rings, and sometimes necklaces, while in the court of the Mughals in India, the decorative feature of ornaments was clearly preferred over other aspects. The quantity of works engraved with religious themes, the mass of precious stones used, as well as the use of gold in men's jewelry, despite the prohibition of Islamic rulings, are among the reasons for this claim. Overall, jewelry in both countries seems to be a symbol of people's social status and rank which shows power, wealth and beauty. In this regard, it is suggested that in order to fully understand this part of industry and art in both countries, studies of gemology, carving and various types of jewelry decoration should be considered in future research. The descriptive-comparative research method and the information used have been obtained by the method of acquisition and through library resources and field study in museums inside or outside the country. The results of the research indicate that jewelry was used as a symbol to represent the social status of individuals in both the Safavid and Mughal states of India, and the close relationship between these governments, caused many commonalities in the types of jewelry, materials and methods of decoration. Despite minor differences such as the use of gemstones or greater diversity in the types and forms of jewelry in India during the Mughal period, many of the forms, materials, metals, and jewelry used for decoration by these two groups, such as collars, rings, earrings, belts, and armbands, were common.

Keywords: Male Courtiers' Jewelry, Jewelry, Gemstone, Safavid, Indian Mughals

References: Aghajani, H., Jawani, A., (2007), Safavid Wall Painting in Isfahan (Chihil Sotun Palace), Tehran, Art Academy.

Bayani, M., (1969), Five Hundred Years History of Iran Jewelry, Tehran, Central Bank of Iran, Economic Investigations'

Brij Bushan, Jamil, (1972). Decorative Indian Jewelry, Ornaments and Designs, Bombay, Taraporevala Sons.

Brunel, Francis, (1973). Jewelry of India, Five Thousand Years of Tradition, Bambahy.

Chardin, J. (1995), Travelogue, Volumes II & III, Tehran, Toos.

Dehkhuda, A. A. (1998), Dehkhuda Dictionary, Tehran, Tehran University Press.

Dehkhuda, A. A., (1962), Dehkhuda Dictionary, Volume.s XXXVII, LXV, LXXXI, CXLVIII, Tehran, Dictionary Organization.

Donger kery, Kamala Sunderrao Kulkarni, (1970). Jewelry and Personal Adornment in India, New Delhi, Indian Council for Cultural Relations.

Ferrier, W. (1995), The Arts of Persia, Tehran, Farzan.

Ghafel Mubarakheh, P., Khajeh Ahmad Atari, A. R., Taghavi Nezhad, B. (2014), A Comparative Study of Jewelry in Iranian and Indian Paintings in the Period of Fath Ali Shah Qajar, Islamic Art, No. 20, 39-43.

Jenkins, M., Keene, M. (1983). The Islamic Jewelry in the Metropolitan Museum of Art, New York, Metropolitan Museum of Art.

Khajegui Isfahani, M. M., (1989), Hulasat al- Sayr, Tehran, Ilmi Farhaangui.

Moshtagh Khorasani, Manouchehr, (2006). Arms and Armor from Iran the Boronze Age to the

Comparative Study of Types of Men's Jewelry at the Safavid Court with Indian Great Mughals

Masoumeh Kasi Matak, MA in Archaeology, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari Province, Iran.

Mitra Shateri (Corresponding Author), Assistant Professor, Archeology Department, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari Province, Iran.

AbbasAliAhmadi, Assistant Professor, Archeology Department, Shahrekord University, Chaharmahal and Bakhtiari Province, Iran.

Bahareh Taghavi Nezhad, Assistant Professor, Handicrafts Department, Isfahan Art University, Isfahan, Iran.

Received: 2019/11/24 Accepted: 2020/05/17



After the advent of Islam in Iran, the Islamic rulings imposed some restrictions on men's use of jewelry, while in various Islamic periods, especially in the Safavid period, based on records and texts, the dazzling glory of jewelry used by men of the high classes of society indicates the continuity, dynamism and flourishing of men's jewelry industry during this period. On the other hand, the mutually beneficial relations between the Safavid rulers and the Mughals of India had a great impact on the cultural and artistic fields at the courts of both countries. The production and consumption of jewelry and ornaments was no exception for sure. Since nowadays the use of jewelry in the public mind is more common among women, most of the research in this area is limited to studies on jewelry of women. So, men's jewelry and its types are less known or introduced among these two civilizations. Therefore, this article has been written with the aim of studying the types of jewelry of male courtiers in the Safavid period, and as a comparative study to determine the commonalities and differences between the jewelry used by men of this period and the jewelry of male courtiers at the court of the Mughals in India. In order to achieve this goal, a case study of these works in the Safavid period has been done based on the samples and texts or jewelry depicted in the paintings and its comparison with contemporary works in India (the Mughals of India). These works and artifacts have been mainly selected from remaining texts, especially travelogues, or from works and artifacts of Islamic Republic of Iran's museums or abroad museums. The main questions of the present study are, based on the surviving works and artworks, what jewelry did the men at the two courts of the Safavids and the Mughals of India use? And what are the differences and similarities between the jewelry of the male courtiers of the Safavid period and the Mughals of India? It should be noted that due to the importance and multiplicity of diverse works of art in these historical periods, this research can be considered as an introduction to the wide range of jewelry, as one of the types of industrial arts and its various applications, and can illuminate an important part of the history. Due to the close political, cultural and artistic commonalities and proportions that existed between Iran and India in the period between the tenth and the early eleventh centuries AH, the influence and effectiveness of themes, forms, structure or even the technologies available in various fields of art in these two countries occur more than ever. The cultural and artistic momentum of this period is especially